

اصل صلاحیت شخصی در حقوق جزای بین الملل و ایران

دکتر حسن پوربافرانی^{*}

در زمینه اصل صلاحیت شخصی که می‌توان آن را اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجرم نیز نامید، موضع حقوق ایران با موضع کشورهای دیگر، تفاوت زیادی دارد. در حقوق کیفری سایر کشورها برای اعمال این اصل شرایطی را مانند مهم بودن جرم ارتكابی، مجرمیت متقابل و عدم رسیدگی قبلی در نظر گرفته‌اند ولی در حقوق کیفری ایران چنین شرایطی در نظر گرفته نشده است. این در حالی است که اعمال مطلق این اصل علاوه بر این که معایر حقوق جزای بین الملل است، نافی هم برای دولت ایران در بر ندارد.

واژگان کلیدی: صلاحیت شخصی، حقوق جزای بین الملل، حقوق جزای ایران، صلاحیت جهانی، صلاحیت واقعی.

مقدمه

یکی از مباحث بسیار اساسی و مهم حقوق جزا، بحث قلمرو قوانین کیفری در مکان است. سؤال این است که آیا قوانین کیفری یک کشور صرفاً در داخل قلمرو حاکمیت آن کشور قابلیت اعمال و اجرا دارند یا در خارج از قلمرو حاکمیت آن کشور هم می‌توانند

شایستگی و صلاحیت اعمال داشته باشند؟ تردیدی نیست که قوانین کیفری یک کشور برای حفظ نظم عمومی آن کشور و اعمال و اجرا در داخل آن کشور وضع می‌شوند، لذا ویژگی سرزمینی بودن قوانین کیفری از دیرباز باعث شده است «اصل صلاحیت سرزمینی قوانین کیفری» در عرصه حقوق جزا به وجود آید. بدین ترتیب هرکس (اعم از تبعه و بیگانه) در داخل قلمرو حاکمیت یک کشور مرتکب جرمی شود، آن کشور می‌تواند او را تحت تعقیب، محاکمه و مجازات قرار دهد.

حال سؤال اساسی تر این است که آیا یک کشور می‌تواند افرادی را به خاطر جرایمی که در خارج از قلمرو حاکمیت آن کشور مرتکب شده‌اند، تحت تعقیب، محاکمه و مجازات قرار دهد یا خیر؟ در واقع بحث اساسی در این جا این است که آیا قوانین کیفری یک کشور می‌تواند قابلیت اعمال برای چنین جرایمی داشته باشند؟

به طور کلی مطابق حقوق جزای بین‌الملل در چهار مورد به ترتیب زیر قوانین یک کشور می‌توانند در مورد این جرایم اعمال گردند: اصل صلاحیت شخصی یا اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجنی^۱ علیه^۱، اصل صلاحیت واقعی^۲ و اصل صلاحیت جهانی^۳.

اصل صلاحیت شخصی در مواد ۶ و ۷ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۷۰) پذیرفته شده است، لیکن آنچه در این مورد پذیرش قرار گرفته با آنچه در قوانین اغلب کشورهای دیگر پذیرفته شده است، تفاوت زیادی دارد. همین تفاوت‌ها و نیز

۱. اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجنی علیه (The Passive Personality Principle) عبارت است از گسترش صلاحیت تفنینی و قضایی یک کشور به جرایمی که در خارج از قلمرو حاکمیت کشوری، علیه اتباع آن کشور ارتکاب می‌یابد. این اصل در قانون مجازات اسلامی پذیرفته نشده است.

۲. اصل صلاحیت واقعی (The Protective Principle) به معنای توسعه صلاحیت تفنینی و قضایی یک کشور به جرایمی است که در خارج از قلمرو حاکمیت کشوری واقع شده و به منافع اساسی و حیاتی آن کشور صدمه وارد می‌کند. قانون مجازات اسلامی در ماده ۵ این اصل را پذیرفته است.

۳. اصل صلاحیت جهانی (The Universality Principle or Universal Jurisdiction) به معنای توسعه صلاحیت به جرایم بین‌المللی است. در این مورد محرم صرف نظر از این که تبعه چه کشوری است یا جرم او در کجا واقع شده است، در هر کشوری که دسنگیر شد، مطابق قوانین داخلی همان کشور به جرم او رسیدگی می‌شود. برای اعمال این اصل توسط یک کشور قبل از هر چیز باید معاهده‌ای بین‌المللی عمل ارتكابی را جرم بین‌المللی شناخته باشد و دولت اعمال کننده صلاحیت نیز به آن ملحق شده باشد. ماده ۹ قانون مجازات اسلامی این اصل را پذیرفته است.

اهمیت بحث، انگیزه نگارتر این مقاله است.

(۱) تعریف اصل صلاحیت شخصی

اصل صلاحیت شخصی که می توان آن را اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجرم نیز نامید، عبارت است از توسعه صلاحیت تقنینی و قضایی یک کشور به جرایمی که اتباع در خارج از قلمرو حاکمیت آن کشور مرتکب شده اند. مبانی متعددی برای این اصل ذکر شده است،^۴ اما «ملیت» یا رابطه تابعیت، ساسی ترین و مهم ترین مبنای این اصل به شمار می آید.

برخی کشورها مانند دانمارک، ایسلند، لیبری، نروژ، سوئد و انگلستان، علاوه بر اتباع، اقامت کنندگان دائمی در کشور خود را هم موضوع اصل صلاحیت شخصی قرار داده اند.^۵ بنابراین چنانچه یکی از اقامت کنندگان دائمی در این کشورها مرتکب جرمی در خارج از قلمرو حاکمیت آن‌ها شود، توسط این کشورها تحت تعقیب قرار خواهد گرفت. آنچه در نظر این دسته از کشورها واجد اهمیت است نه فقط تابعیت شخص بلکه هر وابستگی و علاقه‌ای است که شخص می تواند به دولتی داشته باشد.

(۲) شرایط اعمال اصل صلاحیت شخصی

اصولا کشورها اصل صلاحیت شخصی را بدون قید و شرط اعمال نمی کنند، چرا که اصل صلاحیت شخصی یک اصل تکمیلی است که در جهت رفع نقص اصل صلاحیت سرزمینی به وجود آمده است.^۶

۴. رک: حسن بورباقرانی، صلاحیت اعمال قوانین کیفری در خارج از قلمرو حاکمیت در حقوق ایران، ص ۴۴-۳۹.

5. Michael Akehurst, Jurisdiction in International Law, p. 157-156. Ian, Brownlie, Principles of Public International Law, p 303.

۶. رک: قاضی فرید انرغی، الموسوعة الجزائية، ص ۹۶ و غلی آزمایش از مبته‌های حقوق جزایی بین المللی در قانونگذاری ایران، ص ۱۰۷.

قبل از بررسی این شرایط ذکر این نکته لازم است که برخی از نویسندگان، عنصر تابعیت را نیز یکی از شرایط اصل صلاحیت شخصی قلمداد کرده‌اند^۷ که صحیح به نظر نمی‌رسد، چرا که عنصر تابعیت جزء تعریف اصل صلاحیت شخصی است و جزء تعریف، نمی‌تواند به صورت جداگانه از شرایط هم به حساب آید.

البته در این‌که رابطه تابعیت بایستی در زمان ارتکاب جرم وجود داشته باشد، بحثی نیست؛ اما اگر فرد، پس از ارتکاب جرم تابعیت کشوری را کسب کند، آیا آن کشور می‌تواند در خصوص رسیدگی به جرایم او صالح باشد یا خیر؟ اغلب کشورها به این سؤال پاسخ مثبت می‌دهند؛ مثلاً در قسمت اخیر ماده ۶-۱۱۳ قانون جزای فرانسه (مصوب ۱۹۹۲) آمده است: «... در صورتی هم که متهم پس از ارتکاب جرم تابعیت فرانسه را کسب کرده باشد، مفاد این ماده قابل اجراست». به همین مطلب در ماده ۲۰ قانون مجازات لبنان نیز اشاره شده است.^۸

۲-۱) مهم بودن جرم ارتكابی

یکی از شرایط اعمال اصل صلاحیت شخصی این است که جرم ارتكابی تبعه در خارج از کشور از «جرایم مهم»^۹ باشد.

۷. ر.ک: رثوف عبید، مبادئ القسم العام من التشريع العقابي، ص ۱۲۹-۱۳۰؛ سمیر عالیه، قانون العقوبات

(القسم العام)، ص ۱۳۰ و مهدی مومنی، قلمرو مکانی حقوق جزای جمهوری اسلامی ایران، ص ۱۳۶.

۸. سمیر عالیه، همان، ص ۱۳۰.

۹. ماده ۷ قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲، مانند قوانین بسیاری از کشورها، جرایم را از حیث شدت و ضعف مجازات به سه نوع جنایت، جنحه و خلاف تقسیم کرده بود. بدیهی است منظور از جرایم با اهمیت همه جرایم جنایی و برخی از جرایم جنحه‌ای است. مقنن بعد از انقلاب به خیال این‌که چنین تقسیم‌بندی‌ای مخالف موازین شرعی است آن را از سیستم حقوق جزا حذف کرد در صورتی که هیچ مخالفتی با موازین شرعی ندارد، چرا که مجازات‌های شرعی مثل حدود، قصاص، دیات، تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده می‌توانند با توجه به میزان مجازات در یکی از این دسته‌ها قرار گیرند. حذف این تقسیم‌بندی‌ای با توجه به این‌که اولاً در اغلب کشورها چنین تقسیم‌بندی‌ای وجود دارد، ثانیاً همان‌گونه که گفته شد هیچ مغایرتی با موازین شرعی ندارد و ثالثاً با توجه به این‌که در برخی از قوانین مثل قانون استرداد مجرمین (مصوب ۱۳۳۹/۲/۱۴) چنین تقسیم‌بندی‌ای پذیرفته شده و مطابق با چنین تقسیمی از جرایم، جرایم قابل استرداد تعریف شده‌اند و حذف آن از سیستم جزایی ایران، تالی فاسد عدم امکان اجرای قانون استرداد مجرمین را به وجود می‌آورد، هیچ‌گونه توجیه حقوقی ندارد.

اعمال این اصل در مورد مطلق جرایم اتباع (حتی جرایم خلافی و بسیار سبک) هزینه‌های مادی و معنوی بسیاری برای کشور اعمال‌کننده صلاحیت در بر دارد؛ از هزینه‌های مادی ناشی از شکایت افراد، تعقیب، تحقیق، جمع‌آوری ادله، محاکمه و... گرفته تا هزینه‌های معنوی ناشی از مشغول کردن قوه قضایی، ضابطین قضایی و دستگاه دیپلماسی کشور. این مشکلات می‌توانند به نوبه خود مشکلات دیگری را برای دستگاه قضایی کشور رقم بزنند، از جمله این‌که این دستگاه مهم را از ایفای وظایف اساسی و اصلی خود باز داشته و باعث اطاله دادرسی، تورم کیفی و در نهایت ایجاد بحران در سیاست جنایی کشور گردند.

علاوه بر این، اعمال اصل صلاحیت شخصی در مورد مطلق جرایم اتباع، فایده‌ای هم برای کشور اعمال‌کننده صلاحیت در بر ندارد؛ به عنوان مثال، هیچ منفعت یا ضرورتی اقتضای آن را ندارد که تبعه یک کشور به خاطر ایراد ضرب ساده، یا توهین ساده یا تخلفات رانندگی کوچک که در کشور دیگری انجام داده است، در کشور متبوع خود مورد تعقیب، محاکمه و مجازات قرار گیرد. به علاوه، این قبیل اعمال صلاحیت‌ها می‌تواند به نوعی تجاوز به حاکمیت دولتی که جرم در قلمرو آن واقع شده است به شمار آید و به نوبه خود باعث تیرگی روابط گردد. به عبارت دیگر، با این قبیل اعمال صلاحیت‌ها نه تنها یک کشور به غرض و هدف همکاری بین‌المللی در مجازات مجرمین که از اهداف حقوق جزای بین‌الملل است نایل نمی‌شود، بلکه ممکن است روابط را هم تیره‌تر سازد.

بر همین اساس کشورها معمولاً جرایم جنایی و برخی از جرایم جنحه‌ای اتباع خود در خارج از کشور را قابل رسیدگی در دادگاه‌های داخل کشور خود می‌دانند؛ مثلاً در لبنان، صرفاً جرایم جنایی و جرایم جنحه‌ای اتباع که مجازات آن‌ها بیش از سه سال حبس باشد، قابل رسیدگی در دادگاه‌های لبنان است و برای جرایم جنحه‌ای با مجازات کم‌تر از سه سال است، در صورتی دادگاه‌های لبنان صلاحیت رسیدگی دارند که عمل ارتكابی در کشور محل وقوع هم، جرم شناخته شده باشد.^{۱۰} همین مطلب در قانون

مجازات سوریه نیز وجود دارد.^{۱۱} کشورهای دارای حقوق عرفی هم، موارد اعمال صلاحیت خود بر اتباعشان در خارج را به جرایم بسیار مهم محدود ساخته‌اند؛ برای مثال، دادگاه‌های انگلیس فقط در خیانت به کشور، قتل عمد و تعدد زوجات صلاحیت دارند به جرایم ارتكابی اتباع در خارج از کشور رسیدگی کنند.^{۱۲}

۲-۲) مجرمانه بودن عمل در کشور محل وقوع

یکی دیگر از شرایط اعمال اصل صلاحیت شخصی این است که عمل ارتكابی تبعه در خارج از قلمرو حاکمیت، در کشور محل وقوع هم مجرمانه و قابل مجازات باشد. از این شرط در متون حقوقی تحت عنوان «مجرمیت متقابل» یاد می‌شود. این شرط در خصوص این سؤال که آیا رعایت اصل مجرمیت متقابل لازم است یا خیر، دو نظر عمده در حقوق جزای بین‌الملل قابل ارائه است.

مطابق نظر اول «تعقیب عملی که در محل وقوع فاقد جنبه کیفری است، دور از عدل و انصاف است»^{۱۳}، چرا که «صلاحیت شخصی با هدف مجازات اعمالی که محل نظم عمومی سایر کشورها باشد، اعمال می‌گردد و بنابراین مجازات عملی که از نظر کشور محل وقوع، نقض مقررات جزایی آن کشور محسوب نمی‌شود و از سوی دیگر محل نظم عمومی کشور متبوع یا مضر به منافع و مصالح آن نمی‌باشد، با هیچ اصلی از اصول قابل توجیه نخواهد بود».^{۱۴} مطابق این نظر «دولت‌ها اصولاً هیچ نفعی در مجازات اتباع خود به دلیل ارتكاب جرایم عمومی و غیر مضر به مصالح و منافع خویش در خارج از کشور ندارند و فلسفه وجودی اصل صلاحیت شخصی نوعی همکاری بین‌المللی دولت‌ها در رسیدن به این هدف حقوق جزای بین‌الملل است که هیچ مجرمی بدون

۱۱. محمد الفاضل، المبادئ العامة في التشريع الجزائي، ص ۱۳۸.

12. M.N.Shaw, International law, p. 407.

۱۳. مرتضی محسنی «محدوده حقوق جزا در مکان»، ص ۱۰.

۱۴. ستار زرکلام، تعارض قوانین جزائی در مکان (تحلیل ماده ۳ قانون راجع به مجازات اسلامی، ص ۱۰۲-۱۰۳).

مجازات نماند».^{۱۵} علاوه بر این که محاکمه شخص به دلیل ارتکاب عملی که در کشور محل وقوع آن، جرم نیست، به نوعی نافذ اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌هاست، چراکه قوانین باید منتشر شوند و مردم از آن آگاهی پیدا کنند.^{۱۶}

علاوه بر موارد فوق دولت محل سکونت متهم که عمل ارتكابی او را مجرمانه نمی‌داند ممکن است به تعقیبی که توسط دولت متبوع متهم به عمل می‌آید تحت این عنوان که غیر مناسب و تجاوز کارانه است، اعتراض کند.^{۱۷}

برخی دیگر از معتقدان به نظریه فوق این‌گونه استدلال می‌کنند:

اولاً، پذیرش این اصل با اصل عدم مداخله در حاکمیت دولت‌ها سازگاری بیش‌تری دارد. ثانیاً، با وجود این اصل، از یک طرف تضمین قانونی برای برخورد با جرایم وجود دارد و از طرف دیگر، آزادی‌های فردی و مبنای حقوق بشری بهتر تأمین می‌شود. استدلال عملی علیه این اصل مبنی بر این که به دست آوردن و ترجمه و تفسیر قانون خارجی یک فرایند بی ثبات و زمان‌بری است، نیز نمی‌تواند درست باشد؛ به خصوص در زمان معاصر که همه دولت‌ها قوانین جزایی خود را در سطح وسیع منتشر می‌کنند، به نحوی که قوانین جدید و ترجمه آن‌ها به راحتی در دسترس است.^{۱۸}

اما مطابق نظر دوم رعایت این شرط لازم نیست، از این رو گفته شده است:

صلاحیت شخصی می‌تواند مشروط یا غیر مشروط باشد. مشروط به این معنا که اعمال این اصل مشروط به شرط لازم مجرمیت متقابل باشد و غیر مشروط به این معنا که این اصل می‌تواند صرف‌نظر از قانون محل وقوع نیز قابل اعمال باشد.^{۱۹}

بر همین اساس یکی از حقوق‌دانان آمریکایی که پیشنهاد پذیرش اصل صلاحیت شخصی را به دولتمردان آمریکایی داده است می‌گوید:

کنگره نباید اصل صلاحیت شخصی را محدود به مواردی کند که عمل انجام شده

۱۵ همان، ص ۱۱۵

۱۶ رک میر سهیوند، جرم واقع در خارج در صلاحیت فوایی و مراجع قضایی ایران، ص ۳۴-۳۶.

17. Geoffrey, R. Watson, 'Offenders Abroad: the Case for Nationality - Based Criminal Jurisdiction', p.7.

18. Iain Cameron. The protective principle of International Criminal Jurisdiction, p. 59.

19. Ibid, p. 68.

در کشور محل وقوع آن هم، عنوان مجرمانه داشته باشد. چنین محدودیتی به اتباع ایالات متحده اجازه خواهد داد تا از مجازات رفتاری که قانون امریکا آن را مجرمانه می‌داند، فرار کنند. یک تبعه ایالات متحده که متهم به جرمی شدید مثلاً تجاوز جنسی است نباید از اعمال قوانین جزایی ایالات متحده معاف باشد، صرفاً به این دلیل که دولتی که جرم در قلمرو حاکمیت وی واقع شده است، چنین عملی را مجرمانه نمی‌داند.^{۲۰}

با وجود این، نظر اخیر مورد توجه اغلب حقوق‌دانان کیفری و به تبع آن قوانین جزایی کشورها قرار نگرفته است، چرا که از لحاظ نظری از پشتوانه چندانی برخوردار نبوده و با مبانی و اهداف اصل صلاحیت شخصی نیز سازگاری ندارد. اساساً «هدف از وضع اصل صلاحیت شخصی، جلوگیری از فرار مجرم از مجازاتی است که اگر به اقامتش در کشور محل وقوع ادامه می‌داد، بر او بار می‌شد. بنابراین، اگر فعل ارتكابی در همان کشور مباح باشد، اعمال اصل صلاحیت شخصی بیهوده است».^{۲۱}

در مجموع می‌توان گفت که «اصل مجرمیت متقابل» به عنوان یکی از اصول مسلم حقوق جزا مورد توجه حقوق‌دانان کیفری قرار گرفته است»^{۲۲} و «به موازات افزایش مقررات داخلی و بین‌المللی در مورد توسعه صلاحیت قوانین کیفری به خارج از قلمرو حاکمیت، دکترین مجرمیت متقابل، به طور گسترده‌ای وارد حقوق جزا شده و تقریباً غالب کشورها آن را پذیرفته‌اند».^{۲۳}

قوانین فرانسه^{۲۴}، سوریه و لبنان شرط مجرمیت متقابل را در مورد جنحه‌ها پذیرفته‌اند. مطابق مواد ۲۰ و ۲۴ قانون مجازات لبنان، در جنحه‌هایی که مجازات آن‌ها

20. Geoffry, R.Watson, op.cit, p.81.

۲۱. محمد الفاضل، همان، ص ۱۳۸.

۲۲. مرتضی محسنی، همان، ص ۱۰.

23. See: Grainne Mullan, "The concept double criminality in the context of extra territorial crimes", P. 17-29; Iain Comeron, op.cit., P.69 & Michael, E.Tigar. the Extradition Requirement of Double Criminality in Complex Cases: Illustrating the Rational of Extradition, p. 163-174.

۲۴ و ۲۵. در مورد حقوق فرانسه و سوریه متعاقباً در قسمت نحوه انعکاس اصل صلاحیت شخصی در حقوق برخی از کشورها به طور مفصل‌تر صحبت خواهیم کرد.

کم‌تر از سه سال حبس باشد، وقتی دادگاه‌های لبنان صالح به رسیدگی هستند که عمل در کشور محل وقوع هم مجرمانه و قابل مجازات باشد.^{۲۶}

با وجود این، مقنن لبنانی شرط مجرمیت متقابل را در جنبه‌هایی که مجازات آن‌ها بیش از سه سال حبس است و نیز جرایم جنایی نپذیرفته است.

نپذیرفتن شرط مجرمیت متقابل در جنایات، شاید به این دلیل است که جرایم جنایی از جرایم بااهمیت‌اند و همه کشورها، اگر نه دقیقاً تحت عنوان جنایت، دست‌کم تحت عنوان جنبه یا خلاف آن را مجازات می‌کنند، لذا پذیرفتن این شرط در مورد جنایات ضرورتی ندارد.

۲-۳) عدم رسیدگی قبلی (منع محاکمه مجدد)

اساساً طبق اصول حقوق جزای بین‌الملل، دولتی که جرم در سرزمین وی واقع شده است، برای تعقیب و مجازات مجرم اولویت دارد. بر این اساس سؤال این است که چنانچه این دولت براساس اصل صلاحیت سرزمینی، مجرم را تعقیب، محاکمه و مجازات کند، آیا پس از آن دولت متبوع مجرم هم می‌تواند مجدداً به تعقیب، محاکمه و مجازات او بپردازد؟ امروزه اکثر حقوق‌دانان معتقدند که عدالت اقتضا دارد مجرم به دلیل ارتکاب جرم تنها یک بار مورد مجازات قرار گیرد، حتی عدم تعقیب مجدد در حقوق جزای بین‌الملل به صورت یک قاعده‌ای درآمده است (non bis in idem). مطابق این قاعده، مجرم صرفاً یک بار قابل تعقیب، محاکمه و مجازات است و مجدداً نمی‌توان او را مورد تعقیب قرار داد. به عبارت دیگر، این فرد دین خود را به جامعه پرداخته است و بازخواست مجدد وی به علت همان عمل، نقض عدالت به شمار می‌آید.^{۲۷}

بند ۷ ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی (مصوب ۱۹۶۶) نیز در این خصوص می‌گوید:

هیچ کس را نمی‌توان برای جرمی که به علت اتهام به آن به موجب حکم قطعی صادره طبق قانون آیین دادرسی کیفری کشوری محکوم یا تبرئه شده است، مجدداً

۲۶. مصطفی انرجی، همان. ص ۳۷۹ و سمیر عانیه، همان. ص ۱۳۰-۱۳۱.

۲۷. دندیو دووایر، رسانه حقوق جنایی و قانون‌گذاری جزایی مقایسه. ترجمه علی آزمایش، ص ۸۷.

مورد تعقیب و مجازات قرار داد.

ماده ۲۰ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی (مصوب ۱۷ ژوئیه ۱۹۹۸) نیز این اصل را پذیرفته است، حتی برخی پا را فراتر گذاشته و می گویند:

اصل صلاحیت شخصی باید هنگامی اجرا شود که دولت میزبان (محل وقوع جرم)

نخواهد یا نتواند به تعقیب مجرم بپردازد. چنین اعمال صلاحیتی که با احتیاط همراه

است، احترام به اساسی ترین اصل از اصول صلاحیت جزایی است که مطابق آن دولتی

که جرم در قلمرو وی انجام شده، برای اعمال قوانین جزایی خود حق اولیه دارد.^{۲۸}

بنابراین «وجود اصل منع تعقیب مجدد در جرایم ایجاب می کند که از تعقیب کسانی

که در خارج از کشور تعقیب و محاکمه شده و حکم قطعی هم درباره آنان صادر گردیده و

حکم به مرحله اجرا درآمده است و یا به علت قانونی، قدرت اجرایی را از دست داده

است خودداری شود. (مطابق این اصل) متهم باید در محل وقوع جرم محاکمه و تبرئه

نشده باشد و یا در صورت محکومیت، مجازات کلاً یا بعضاً درباره او اجرا نشده

باشد».^{۲۹}

به عنوان مثال، ماده ۲۷ قانون مجازات لبنان می گوید:

غیر از جنایات مذکور در ماده ۱۹ (مربوط به اصل صلاحیت واقعی) و جرایم ارتكابی

در سرزمین لبنان، تعقیب لبنانی یا بیگانه در لبنان برای اعمالی که به خاطر آن در خارج

محاکمه نهایی شده باشد، جایز نیست. هم چنین اگر حکم در مورد او اجرا شده یا به

واسطه مرور زمان یا عفو ساقط شده باشد، تعقیب او جایز نیست.^{۳۰}

۲-۴) عدم وجود موجبات قانونی برای تعقیب و اجرای حکم

یکی دیگر از شرایط اجرای اصل صلاحیت شخصی، عدم برخورداری متهم از

موجبات قانونی برای منع تعقیب، موقوفی تعقیب و اجرای حکم است. بنابراین، تبعه در

صورتی در کشور متبوع تحت تعقیب قرار خواهد گرفت که مثلاً شکایت شاکی موجود

28. Geoffrey, F.Watson, op.cit, p.81.

۲۹. مرتضی محسنی، دوره حقوق جزای عمومی، ص ۴۰۲.

۳۰. سمیر عالی، همان، ص ۱۴۳.

باشد یا متهم مشمول علل رافع مسئولیت کیفری و علل موجهه جرم نباشد.

بدیهی است این بحث در طرفه است؛ بدین معنا که متهم هم بایستی از لحاظ موازین قانونی کشور متبوع خود ز موجبات قانونی برای تعقیب و محاکمه برخوردار نباشد و هم از لحاظ قانون کشور محل وقوع جرم. توضیح این‌که: اگر شخصی که تبعه کشور الف است در کشور ب مرتکب جرمی شود که مطابق قانون کشور ب چنین شخصی صغیر یا مجنون شناخته شده و یا عمل او مشمول علل موجهه جرم مثل دفاع باشد، این شخص در کشور متبوع خود هم قابل تعقیب و مجازات نخواهد بود؛ چرا که اساساً مطابق قانون کشور محل وقوع جرم، حسب مورد مجرم نیست یا مرتکب جرمی نشده است تا قابل مجازات باشد.

از مباحث دیگر قابل طرح در این جا این است که آیا برای تعقیب متهم در کشور متبوعش لازم است که زیان‌دیده از جرم شکایت جزایی خود را به مقامات صالحه کشور متبوع متهم تقدیم کند؟

در حقوق فرانسه جرایم جنایی و جنحه‌ای اتباع فرانسه از هم تفکیک شده، در جرایم جنحه‌ای: «چنان‌چه جرمی علیه فردی ارتکاب یافته باشد باید مجنی علیه شکایت کرده و یا کشوری که در آنجا جرم واقع شده به مقامات فرانسوی رسماً اعلام جرم کند. شرط شکایت مدعی خصوصی برای این است که مسلّم باشد جرم ارتکابی تا اندازه‌ای مهم است و تعقیب و رسیدگی آن بی‌فایده نمی‌باشد و چون ممکن است که مجنی علیه قادر به شکایت نباشد و یا برخلاف مصلحت عمومی با مجرم صلح نماید قانون‌گذار پیش‌بینی کرده که اعلام جرم از طرف کشور خارجی که اهمیت جرم ارتکابی را مسلّم می‌دارد کافی می‌باشد».^{۳۱}

شرط دیگر در مورد جرایم جنحه‌ای این است که: «اگر جرمی که ارتکاب شده علیه فردی باشد، دادسرا باید حاضر به تعقیب جنبه عمومی قضیه باشد. برخلاف اصل متبوع در حقوق عمومی، مجنی علیه نمی‌تواند رسماً طرح شکایت کند. لزوم این شرط برای این است که از تیرگی روابط فرانسه و کشور خارجی جلوگیری شود و بنابراین مجنی علیه

هنگامی می‌تواند دعوی خصوصی خود را طرح کند که دادسرا از لحاظ جنبه ماهوی قضیه را طرح کرده باشد.^{۳۲}

ماده ۸-۱۱۳ قانون جزای فرانسه (مصوب ۱۹۹۲) مقرر می‌دارد:

... در خصوص جنحه، تعقیب مشروط است به تقاضای دادسرای شهرستان،

شکایت قبلی مجنی علیه یا کسان وی که چنین حقی دارند و یا به اعلام جرم رسمی

به وسیله مقام رسمی کشوری که در آن جا جرم واقع شده است.^{۳۳}

بدین ترتیب در حقوق فرانسه در مورد جنایات ارتكابی اتباع فرانسه در خارج از

کشور چنین محدودیتی وجود نداشته و حتی در صورت عدم وجود این شرایط هم

دادگاه‌های فرانسه صالح به رسیدگی هستند.

اما با نبود چنین ماده‌ای در قوانین جزایی کشورهای دیگر از جمله لبنان، سوریه و

مصر، به نظر می‌رسد که راه حل قضیه را باید با توجه به قواعد آیین دادرسی کیفری این

کشورها پیدا کرد. به این صورت که اگر برای تعقیب جرمی، شکایت شاکی لازم باشد،

در صورتی که این جرم توسط اتباع در خارج از کشور اتفاق افتاده، باید شکایت شاکی

وجود داشته باشد؛ در غیر این صورت چنین محدودیتی وجود نخواهد داشت.^{۳۴}

۲-۵) مراجعت متهم به داخل کشور خود

اصولاً یکی از مشکلات اصل صلاحیت شخصی مشکل ادله اثبات دعواست، زیرا

محل وقوع جرم کشور دیگری است و شهود و مدارک جرم هم در آن جا وجود دارد. از

این رو در حقوق جزا، اصل صلاحیت سرزمینی از اصول اساسی و زیر بنایی صلاحیت

قوانین کیفری است، اما مجرم با فرار خود به کشور متبوع، راه اعمال اصل صلاحیت

سرزمینی را سد کرده است. بر همین اساس برای جلوگیری از بی مجازات ماندن مجرم،

۳۲. همان، ص ۳۳.

33. Gaston, Stefani, et al, Droit Penal General, P. 154

۳۴. به نظر می‌رسد در حقوق ایران باید بین جرایم قابل گذشت و غیر قابل گذشت فائل به تفکیک شد. با توجه به

این که برای شروع تعقیب در جرایم قابل گذشت بایستی شاکی خصوصی شکایت نماید، اما در جرایم غیر

قابل گذشت، با توجه به این که تعقیب بر عهده دادستان (رئیس حوزه قضایی) است، شروع به تعقیب نیازی

به شکایت شاکی خصوصی ندارد.

کشور متبوع، او را مورد تعقیب، محاکمه و مجازات قرار خواهد داد به شرط آن‌که متهم در داخل کشور باشد. «بنابراین مسئله رسیدگی غیابی به چنین جرایمی اساساً مطرح نیست، زیرا اعمال قوانین جزایی داخلی نسبت به جرایم ارتكابی توسط اتباع در خارج از کشور هیچ نفعی برای کشور مزبور در بر ندارد و تنها با هدف همکاری بین‌المللی در کیفر دادن مجرمین قابل توجه است. در نتیجه وقتی که قوانین جزایی در خصوص متهم با توجه به عدم دسترسی به وی قابلیت اجرایی پیدا نکند، محاکمه غیابی وی در کشورش فاقد هرگونه ارزش و فایده‌ای خواهد بود.»^{۳۵}

از طرف دیگر، «دولت متبوع متهم حق مداخله مستقیم جهت دستگیری و محاکمه وی را ندارد، زیرا این امر خارج از نزاکت بین‌المللی و مفایر با اصول استقلال و حاکمیت دولت‌هاست و اساساً اجرای قواعد جزایی از اقتدارات ملی محسوب شده و دخالت دولت خارجی محل نظم عمومی کشور است.»^{۳۶} بنابراین اصل صلاحیت شخصی در صورتی قابل اعمال است که متهم در قلمرو کشور متبوع خود حضور داشته باشد و این حضور ممکن است به شکل استرداد، حضور ارادی یا حتی حضور غیر ارادی باشد. در حضور غیر ارادی باید دو مورد را از هم تفکیک کرد: اول، صرف حضور غیر ارادی متهم و دوم، کشاندن متهم به کشور با وسایل و طرق غیر قانونی. مورد اول مثل این‌که متهم به قصد سفر به کشور دیگری سوار هواپیمایی بوده که آن هواپیمای به دلیل فرود اضطراری در فرودگاه یکی از شهرهای کشور متبوع او فرود می‌آید و در فرودگاه دستگیر می‌شود. بدیهی است در این خصوص دستگیری چنین شخصی ایرادی ندارد و غیر قانونی تلقی نمی‌شود. مثال مورد دوم مانند این‌که مأموران کشور متبوع او بدون رضایت کشور محل وقوع جرم، او را از آن کشور ربوده و به کشور متبوعش برگردانند. در این صورت با توجه به این‌که اقدام مأموران دولت متبوع او تجاوز به حاکمیت کشور محل وقوع جرم به شمار می‌آید، از لحاظ حقوق بین‌الملل محکوم است، لذا تعقیب، محاکمه و مجازات چنین شخصی غیر قانونی محسوب می‌شود.

۳۵. سنار زرکلام، همان، ص ۱۰۲.

۳۶. مهدی مومنی، همان، ص ۱۴۱.

بدیهی است در این مورد نمی‌توان استدلال کرد که در هر صورت در حال حاضر متهم در تسلط کشور متبوع خود است و دادگاه‌های آن کشور فارغ از قانونی یا غیر قانونی بودن نحوه دستگیری می‌توانند به جرم او رسیدگی کنند، چرا که در این جا مبتای محاکمه چنین شخصی، مبنایی غیر قانونی است، در نتیجه اقدامات بعدی هم غیر قانونی خواهد بود. علاوه بر این که چنین برخوردی نظم عمومی بین‌المللی را که هدف حقوق جزای بین‌الملل هم حفظ آن است، بر هم خواهد زد و در واقع یک نوع نقض غرض به شمار می‌آید.^{۳۷} بدیهی است فعل «یافت شدن» که در متون قانونی بسیاری از کشورها به عنوان شرط اعمال اصل صلاحیت شخصی ذکر شده است، تاب چنین تفسیری را دارد.

۳) انعکاس اصل صلاحیت شخصی در حقوق ایران

۳-۱) قانون مجازات عمومی (مصوب ۱۳۵۲)

قبل از سال ۱۳۵۲، قانون مجازات عرفی (مصوب ۱۲۸۵) و قانون مجازات عمومی (مصوب ۱۳۰۴) در مورد مباحث مربوط به قلمرو قوانین کیفری در مکان و از جمله اصل صلاحیت شخصی، ساکت بودند؛^{۳۸} اما در سال ۱۳۵۲ این مباحث به شکل تقریباً مناسبی وارد قانون مجازات عمومی شد. بند «و» و «هـ» این ماده راجع به اصل صلاحیت شخصی است. بند «هـ» که مقررده اصلی در مورد این اصل اشعار می‌دارد:

در غیر موارد مذکور در بندهای «ج» و «د» هر ایرانی که در خارج از ایران مرتکب جرمی شود و در ایران یافت شود، طبق قوانین جزایی ایران مجازات خواهد شد، مشروط به این‌که:

۱. حداکثر مجازات جرم به موجب قانون ایران بیش از یک سال حبس باشد.

۲. عمل به موجب قانون محل وقوع، جرم باشد.

۳۷. رک: سمیر عالی، همان، ص ۱۳۵.

۳۸. البته در سال‌های قبل از ۱۳۵۲ مقررات پراکنده‌ای خارج از قوانین مذکور وجود داشت که به نوعی با اصل صلاحیت شخصی در ارتباط بود. از جمله می‌توان به بند «ب» ماده ۳۱ قانون هواپیمایی کشوری (مصوب ۱۳۲۸) و نیز ماده ۲۰۰ قانون آیین دادرسی کیفری (مصوب ۱۲۹۰) اشاره کرد.

۳. در محل وقوع جرم، محاکمه و تبرئه نشده باشد یا در صورت محکومیت، مجازات کلاً یا بعضاً در باره او اجرا نشده باشد.

۴. به موجب قانون ایران و قانون محل وقوع جرم، موجبی برای منع یا موقوف شدن تعقیب یا عدم اجرای مجازات یا اسقاط آن نباشد.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود همه شرایط اعمال اصل صلاحیت شخصی که در حقوق جزای بین‌الملل وجود دارد، در بندهای چهارگانه این ماده به ترتیب: مهم بودن جرم ارتكابی، مجرمیت متقابل، منع محاکمه مجدد و عدم موجبات قانونی برای منع یا موقوف شدن تعقیب، پذیرفته شده است و در صدر ماده هم با عنایت به قید «و در ایران یافت شود» شرط حضور متهم مورد تأکید قرار گرفته است.

۳-۲) قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۷۰)

در قوانین پس از انقلاب، ابتدا بند «ج» و «د» ماده ۳ قانون راجع به مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۶۱) جایگزین بند «د» و «ه» ماده ۳ قانون مجازات عمومی گردید و پس از آن، این دو بند بدون هیچ تغییر ماهوی در مواد ۶ و ۷ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۷۰) تکرار شد. ماده ۷ این قانون که مقررۀ اصلی در مورد اصل صلاحیت شخصی است مقرر می‌دارد:

علاوه بر موارد مذکور در مواد ۵ و ۶، هر ایرانی که در خارج ایران مرتکب جرمی شود

و در ایران یافت شود، طبق قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران مجازات خواهد شد.

این ماده بدون توجه به تحولات حقوق جزای بین‌الملل که اثرات آن را در قانون مجازات عمومی سال ۱۳۵۲ ملاحظه کردیم، تنظیم شده و از میان شرایط اعمال اصل صلاحیت شخصی، فقط شرط «حضور متهم در ایران» را پذیرفته است. مطابق این ماده، محاکم ایران برای رسیدگی به همه جرائم اتباع ایران در خارج از قلمرو حاکمیت ایران صالح‌اند؛ اعم از این‌که جرم ارتكابی جنایت، جنحه یا خلاف باشد و اعم از این‌که به جرم ارتكابی او قبلاً رسیدگی شده باشد یا خیر. مثلاً محاکم ایران برای رسیدگی به جرم عبور از چراغ قرمز یک راننده ایرانی در فرانسه، صالح به رسیدگی‌اند؛ چه تبعۀ ایرانی به خاطر ارتكاب جرم مزبور قبلاً در کشور محل وقوع جرم محاکمه و مجازات شده باشد یا

خیر، و این امر همان‌گونه که بعداً خواهیم دید بسیار قابل انتقاد است.

۴) تحلیل موضع کنونی حقوق ایران

همان‌گونه که گفته شد مقنن در قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۷۰) به تجربیات دیگر کشورهای جهان توجهی نداشته و در واقع بدون توجه به تحولات حقوق جزای بین‌الملل، اصل صلاحیت شخصی را به صورت مطلق پذیرفته است. در این مبحث ابتدا موضع ایران را از لحاظ تطبیق با حقوق جزای بین‌الملل و پس از آن از لحاظ تطبیق با موازین شرعی، مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم.

۴-۱) موضع حقوق ایران از لحاظ تطبیق با حقوق جزای بین‌الملل

با عنایت به آنچه راجع به موضع کشورهای مختلف در مورد اصل صلاحیت شخصی گفته شد، انتقادهای ذیل به قانون مجازات اسلامی وارد است: (۱۹۶۱ ب.م.ه)

الف) عدم توجه به اهمیت جرم

مقنن با حذف شرایط چهارگانه مندرج در بند «ه» ماده ۳ قانون مجازات عمومی (مصوب ۱۳۵۲)^{۳۹}، به شرط «اهمیت جرم ارتكابی» توجهی نداشته و محاکم ایران را برای رسیدگی به همه جرایم اتباع خود صالح می‌داند. این اقدام مقنن علاوه بر این‌که خلاف موازین حقوق جزای بین‌الملل است به مصلحت کشور هم نیست و هزینه‌های زیادی را برای دستگاه قضایی کشور به دنبال خواهد داشت.

اعمال اصل صلاحیت شخصی باید در راستای مبانی و اهداف آن و به طور کلی در راستای مبانی و اهداف حقوق جزای بین‌الملل به کار گرفته شود. همان‌گونه که حقوق دانان گفته‌اند یکی از مبانی اصل صلاحیت شخصی، دفاع از حیثیت و اعتبار کشور است که با ارتكاب جرایم کم‌اهمیت مثل جرایم خلافی و بسیاری از جرایم جنح‌ای به

۳۹. شق ۱ بند «ه» ماده ۳ قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲ یکی از شرایط اعمال اصل صلاحیت شخصی را چنین بیان می‌کرد: «حداکثر مجازات جرم به موجب قانون، بیش از یک سال حبس باشد».

نظر نمی‌رسد حیثیت و اعتبار کشور لکه‌دار گردد تا لازم باشد به خاطر آن تبعه را مورد مجازات قرار دهیم.

یکی دیگر از مبانی اصل صلاحیت شخصی حمایت از نظم عمومی داخلی است که باز با ارتکاب جرایم کم‌اهمیت، به نظر نمی‌رسد نظم عمومی داخلی مورد خدشه قرار گیرد تا مجازات تبعه لازم باشد. هم‌چنین مبنای مقابله با حالت خطرناک که از جسمه مبانی اصل صلاحیت شخصی است نیز در ارتکاب جرایم کم‌اهمیت نمی‌تواند نشانه حالت خطرناک فرد تلقی شود.

ب) عدم توجه به قاعده منع محاکمه مجدد

امروزه قاعده منع محاکمه مجدد مقبولیت جهانی پیدا کرده است، اما با حذف شرایط چهارگانه بند «ه» ماده ۳ قانون مجازات عمومی (مصوب ۱۳۵۲)،^{۴۰} این قاعده مهم حقوق جزای بین‌الملل نیز از حقوق کیفری ایران حذف گردیده است.

اصل صلاحیت شخصی مکمل اصل صلاحیت سرزمینی است. بنابراین «وقتی یکی از اتباع در خارج از کشور مرتکب جرم می‌شود، در اصل، کشور محل وقوع جرم صلاحیت رسیدگی به جرم او را دارد. لیکن اگر چنین شخصی قبل از محاکمه و مجازات به کشور متبوع خود برگردد، به دلیل این‌که از مطابق عرف شناخته شده در حقوق بین‌الملل مبنی بر عدم استرداد اتباع، امکان استرداد وجود ندارد، اصل صلاحیت شخصی به کار گرفته می‌شود».^{۴۱} چنین برخوردی کاملاً معقول است به دلیل آن‌که اولاً، رسیدگی به جرم در محل وقوع آن، مشکلات قضایی ناشی از جمع‌آوری دلایل را کاهش می‌دهد، ثانیاً تعارض صلاحیت بین دولت متبوع مجرم و دولت محل وقوع جرم را حل می‌کند. در اغلب موارد چنین برخوردی کارآیی خوبی دارد، چراکه اساساً دولت محل وقوع، دارای صلاحیت حقیقی است.^{۴۲}

۴۰. شق ۳ بند ۲۰، ماده ۳ قانون مذکور، شرط دیگر اعمال این اصل را چنین مقرر می‌داشت: «مجرم در محل وقوع جرم محاکمه و تیرته نشده باشد یا در صورت محکومیت، مجازات کلاً یا بعضاً درباره او اجرا نشده باشد».

۴۱. محمد الفاضل، همان، ص ۱۳۶.

از همین رو اگر متهم در محل وقوع جرم مورد تعقیب، محاکمه و مجازات قرار گرفته باشد، دیگر نیازی به تعقیب، محاکمه و مجازات مجدد او احساس نمی شود. در حقیقت دو هدف عمده حقوق جزای بین الملل یعنی جلوگیری از بی مجازات ماندن مجرمین و ممانعت از تکرار مجازات مجرم،^{۴۳} مقتضی آن است که اگر شخص در محل وقوع جرم محاکمه و مجازات شد، برای بار دوم در کشور متبوعش قابل محاکمه نباشد. به هر حال، ماده ۷ قانون مجازات اسلامی به این قاعده مهم توجهی ننموده است، لذا امکان محاکمه و مجازات مجدد مجرم توسط دادگاه های ایران وجود دارد و این امر خلاف قواعد پذیرفته شده بین المللی است.

ج) عدم توجه به اصل مجرمیت متقابل

همان گونه که گفته شد، اغلب کشورها این اصل را در مورد جرایم جنحه ای پذیرفته اند. هر چند در قانون مجازات عمومی سال ۱۳۵۲، این امر مورد توجه قرار گرفته بود^{۴۴}، در حال حاضر در قانون مجازات اسلامی از آن خبری نیست. بنابراین اگر یک ایرانی در خارج از کشور مرتکب عملی شود که در کشور محل وقوع، جرم نمی باشد، اما مطابق قوانین ایران آن عمل جرم محسوب می شود، توسط دادگاه های ایران قابل تعقیب، محاکمه و مجازات است.

این در حالی است که اصل مجرمیت متقابل به عنوان یکی از اصول مسلم حقوق جزا مورد توجه حقوق دانان کیفری قرار گرفته و به طور گسترده ای وارد حقوق جزا شده است. بنابراین موضع قانون مجازات اسلامی در این خصوص نیز مغایر با موازین حقوق جزای بین المللی است.

د) عدم توجه به موجبات منع و موقوفی تعقیب و موارد سقوط مجازات ها در کشور محل وقوع جرم

۴۳. ر.ک: علی آزمایش، تقریرات درس حقوق جزای بین المللی، ص ۲۱.

۴۴. شق ۲ بند «ه» ماده ۳ قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲، به عنوان یکی از شرایط اعمال اصل صلاحیت شخصی مقرر می داشت: «عمل به موجب قانون محل وقوع، جرم باشد».

مقنن در ماده ۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ به این امر اشاره‌ای ندارد، در حالی که قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲، در بند «ه» این مسئله را مورد توجه قرار داده بود. این مقرر می‌گفت:

به موجب قانون ایران و قانون محل وقوع جرم، موجبی برای منع یا موقوف شدن تعقیب یا عدم اجرای مجازات یا اسقاط آن نباشد.

اساساً به نظر می‌رسد که مقنن ایرانی توجهی به حقوق جزای کشور محل وقوع جرم ندارد و صرفاً حقوق جزای خود را به رسمیت می‌شناسد، لذا توجهی به این مسئله ندارد که آیا متهم از موجباتی برای منع یا موقوفی تعقیب یا عدم اجرای مجازات یا اسقاط آن در کشور محل وقوع جرم برخوردار است یا خیر؟ البته این که متهم نباید از چنین موجباتی در کشور ایران برخوردار باشد تا قابل مجازات شناخته شود، از بدیهیات است، لذا محاکم ایران هیچ وقت نمی‌توانند در جرایم قابل گذشت که شرط تعقیب آنها شکایت شاکی خصوصی است، به تعقیب ایرانی حتی برای جرمی که در داخل کشور مرتکب شده، بپردازند؛ چه رسد به این که برای ارتکاب چنین جرمی در خارج از قلمرو حاکمیت ایران بخواهند او را مورد تعقیب قرار دهند. اما اگر متهمی در کشور محل وقوع، از موجباتی برای عدم تعقیب مثل مرور زمان تعقیب یا مرور زمان اجرای مجازات برخوردار باشد، به نظر می‌رسد که در این جا ماده ۷ قانون مجازات اسلامی به این مسئله توجهی ندارد و چنین شخصی را در ایران قابل تعقیب و محاکمه و مجازات می‌داند.

۴-۲) موضع حقوق ایران از لحاظ تطبیق با موازین شرعی

بحث ما در این قسمت، در خصوص نفس اصل صلاحیت شخصی نیست و اساساً این اصل کاملاً مورد تأیید شرع است؛ به دلیل این که مسلمان در هر جای عالم که باشد ملتزم به احکام اسلامی است و اگر از آن تخطی کند قابل مجازات است.^{۴۵} بحث در این است که آیا توجه مقنن به برخی از قواعد حقوق جزای بین‌الملل و پذیرش آن مغایرتی با موازین شرعی دارد یا خیر؟

۴۵. ر.ک. لطف‌الله صافی، «ضرورت حکومت با ولایت فتنه در عصر غیبت»، ترجمه سید حسین اسلامی، ص

۱۳۰۱۲ و عبدالقادر عوده، «تشریح الجنایی الاسلامی مقارناً بالقانون الوضعی»، ص ۲۸۷-۲۸۸.

همان‌گونه که گفتیم قانون مجازات اسلامی در بحث اصل صلاحیت شخصی، مواضع همگام با تحولات حقوق جزای بین‌الملل را که توسط قانون مجازات عمومی اتخاذ شده بود، کنار گذاشته است. حال آیا تغییر موضع مقنن به دلیل انطباق با موازین شرعی است؟ به عبارت دیگر، آیا موازینی که در قانون مجازات عمومی وجود داشته، خلاف موازین شرعی بوده است که مقنن آن را به یکباره کنار گذاشته است؟

برای پاسخ به این سؤال باید جرایم مختلف را در سیستم حقوقی اسلام از هم تفکیک کنیم. مسلماً در اسلام جرایم مستوجب حد و قصاص از جرایم شدید و با اهمیت به شمار می‌آیند و این مسئله در مورد حد، با توجه به لزوم اجرای فوری و پذیرفته نشدن کفالت و شفاعت در آن^{۴۶} به خوبی روشن است. علاوه بر این که احکام برخی از حدود و نیز احکام قصاص در متن قرآن کریم آمده است.^{۴۷} بنابراین، مقنن نمی‌تواند بنا به دلایلی با وضع قانون از اجرای این‌گونه صرف‌نظر نموده یا اجرای آن‌ها را مشروط سازد. در دیات هم چه آن را مجازات و چه خسارت مدنی یا تأسیس خاص بدانیم، در هر صورت ضمان مرتکب باقی است و فرقی نمی‌کند که این ضمان در چه مکانی بر ذمه جانی مستقر شده باشد. در واقع دیه بر فرض مجازات بودن، مجازات جرمی است که در صورت عمدی بودن، در مورد آن، قصاص جاری می‌شود، لذا جرایم موضوع دیات هم از زمره جرایم مستوجب قصاص یعنی جرایم علیه نفس و عضو می‌باشد.

به هر حال، از لحاظ شرع مقدس در مورد تعقیب، محاکمه و مجازات چنین جرایمی که از طرف اتباع ایرانی در کشور دیگری ارتکاب می‌یابند نمی‌توان به شروط: مجرمیت متقابل، عدم رسیدگی قبلی، اهمیت جرم و... قائل شد. علاوه بر این که در حقوق جزای اسلام این جرایم از جرایم با اهمیت به شمار آمده و در حقوق جزای بین‌الملل هم الزامی به رعایت شرط تقابل مجرمیت در جرایم با اهمیت وجود ندارد.^{۴۸}

۴۶. امام خمینی، تحریر الوسیله، ص ۵۹۹.

۴۷. به عنوان مثال ر.ک: بقره (۲) آیات ۱۷۸ و ۱۷۹ در مورد قصاص نفس؛ نور (۲۴) آیه ۲ در مورد زنا؛ همان، آیه ۳

در مورد قذف؛ مائده (۵) آیه ۳۸ در مورد حد سرقت و همان، آیه ۳۲ در مورد حد محاربه.

۴۸. در مورد شرط عدم رسیدگی قبلی یا منع محاکمه مجدد در خصوص جرایم مستوجب حد یا قصاص؛ ذکر

با وجود این، در مورد این قبیل جرایم هم مباحثی قابل طرح است که به نوعی می‌تواند در قطعی بودن نظریه فوق ایجاد تردید کند:

اولاً، در مورد حدود، برخی از فقها اقامه حدود را در زمان غیبت جایز نمی‌دانند و حتی بر آن ادعای اجماع کرده‌اند،^{۴۹} زیرا در روایات اجرای حدود از وظایف امام علی^{علیه السلام} شمرده شده و مقصود از امام نیز امام معصوم است.^{۵۰} اینان معتقدند حاکم شرع به مقتضای حال می‌تواند کسی را که مستحق حد است، تعزیر کند^{۵۱} و چنین استدلال می‌کنند که اقامه حدود از مصادیق امر به معروف و نهی از منکر نیست تا عمومات و اطلاعات ادله امر به معروف و نهی از منکر شامل آن شود، بلکه اقامه حدود در زمان غیبت از مصادیق ایذا و ایلام بدون مجوز است.^{۵۲} اگر این نظریه ملاک عمل باشد در حدود هم در زمان غیبت همانند تعزیرات «دست حکومت اسلامی در وضع مقررات جزایی متناسب با زمان، بازتر خواهد بود».^{۵۳} البته این نظریه که لازمه آن نسخ عملی بخشی از احکام اسلام در زمان غیبت است، در سیستم جمهوری اسلامی ایران پذیرفته نشده است.

ثانیاً، شاید بتوان با استناد به وجود مصلحت، همه اصول حاکم بر حقوق جزای بین‌الملل را در مورد تمام جرایم (اعم از مستوجب حد، قصاص و تعزیرات) پذیرفت. چنان‌که مجمع تشخیص مصلحت نظام با در نظر گرفتن معیار مصلحت، ماده ۵ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۷۰) را که مورد اختلاف مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان بود، تصویب کرد.^{۵۴} به هر حال فارغ از مباحث فوق که در مورد هر کدام جای

این نکته لازم است که اگر در دادگاه یک کشور اسلامی یک ایرانی به خاطر ارتکاب جرایمی از این قبیل محکوم و مجازات شود، در مورد این که آیا دادگاه‌های ایران مجدداً می‌توانند او را محاکمه و مجازات کنند. قانون مجازات اسلامی ساکت است و ظاهراً فرقی بین این قبیل کشورها و کشورهای دیگر قائل نیست.

۴۹. سیداحمد خوانساری، جامع المدارک فی شرح مختصر النافع، ص ۴۱۱.

۵۰. همان، ج ۷، ص ۵۸-۶۰.

۵۱. میرزای قمی، جامع الشتات، ص ۷۱۲، ۷۱۳ و ۷۳۱.

۵۲. سیداحمد خوانساری، همان، ج ۵، ص ۴۱۱ و برای مطالعه بیشتر نر.ک: سیدمصطفی محقق داماد، قواعد

فقه ۴ (بخش جزایی)، ص ۲۸۳-۲۹۸.

۵۳. حمید دهقان، تاثیر زمان و مکان بر فوائین جزایی اسلام، ص ۲۴۳.

۵۴. شورای نگهبان معتمد بود جرایمی که رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه‌های ایران است، محدود به بندهای

بحث و بررسی فراوان وجود دارد، نظر فقها آن است که در اجرای حدود و قصاص نمی‌توان به شرطی غیر از آنچه در شرع آمده است، قائل بود. اما در جرایم تعزیری و جرایم قابل مجازات بازدارنده به نظر می‌رسد که با توجه به بحثی که در پی می‌آید، به نوعی می‌توان آن‌ها را با موازین حقوق جزای بین‌الملل وفق داد.

الف) جرایم تعزیری

گستره وسیعی از جرایم در حقوق جزای اسلامی مشمول نظام تعزیرات است و چنان‌که اختیار وضع مجازات در مورد آن‌ها به تشخیص حاکم بستگی دارد (التعزیر بمایراه الحاکم) خود او در مواردی هم که علم به بی‌اثر بودن مجازات تعزیری داشته باشد یا به خاطر مصلحت‌های دیگر،^{۵۵} می‌تواند از آن صرف‌نظر کند. به بیان دیگر، در جرایم تعزیری «حاکم می‌تواند مجرم را مورد عفو قرار دهد و شفاعت از او را بپذیرد. اگر تعزیر به خاطر حق حکومت و اصلاح فرد باشد و اجرای آن ربطی به احقاق حقوق مردم نداشته باشد، حاکم می‌تواند به تشخیص خود، مجرم را عفو یا تعزیر نماید».^{۵۶} به بیان سوم، «امام می‌تواند درباره برخی از حقوق الهی که در مورد آن‌ها حد خاصی معین نشده، در صورت مصلحت و نیز در حالی که منجر به تجری متخلف نگردد، از اجرای تعزیر چشم‌پوشی کند و می‌توان این نکته را از اطلاق آیات و روایات فراوانی که در خصوص عفو و اغماض از خطاها وارد شده استنباط کرد».^{۵۷}

در منابع فقهی مواردی را می‌توان یافت که حاکی از این است که صرف‌نظر کردن حاکم از مجازات جرایم کم‌اهمیتی که توسط اتباع در خارج از قلمرو حاکمیت واقع می‌شود یا پذیرفتن قاعده «مجرمیت متقابل»، «منع محاکمه مجدد» و... درباره آن‌ها مغایرتی با موازین شرعی ندارد؛ به عنوان مثال، در مورد این‌که آیا می‌توان از مجازات جرایم تعزیری کم‌اهمیت چشم‌پوشی کرد یا خیر، شهید اول می‌گوید:

چهارگانه ماده ۵ قانون مذکور نیست، در صورتی که مجلس شورای اسلامی به خلاف آن اعتقاد داشت.

۵۵ پاسخ آیه‌الله سید عبدالکریم موسوی اردبیلی به استفتای نگارنده به شماره ۲۱۸ مورخ ۱۳۷۷/۵/۶ به شرح ذیل است: «اگر تعزیر مجرم مصلحت نباشد و موجب فساد باشد، حاکم می‌تواند از آن صرف‌نظر نماید».

۵۶ ابوالحسن ماوردی، احکام السلطانیه، ص ۲۳۸.

۵۷ حسینعلی منتظری، مبانی فقهی حکومت اسلامی، ترجمه و تقریر محمود صلواتی، ص ۴۸۴.

در صورتی که معصیت کوچک باشد، (گناه کار) جز، تعزیر اندک را مستحق نمی‌باشد و مسلماً برای (این‌گونه) تعزیر اثری وجود ندارد؛ (لذا) گفته‌اند (در این موارد) تعزیر صورت نمی‌گیرد، چون تعزیر اندک بی فایده است و زیادش مباح (و جایز) نیست.^{۵۸}

بنابراین، صرف نظر کردن از تعقیب، محاکمه و مجازات جرایم کم اهمیتی که در خارج از کشور اتفاق می‌افتد می‌تواند مبنای شرعی داشته باشد. به علاوه «برخی گفته‌اند: اجرای تعزیر اختصاص به گناهان کبیره دارد، نه گناهان صغیره، بنابراین کسی که از گناهان کبیره اجتناب کند، به خاطر انجام گناه صغیره تعزیر نمی‌شود. اما اگر کسی از انجام گناه کبیره اجتناب نکند، بعید نیست که به خاطر گناه صغیره هم مجازات شود.»^{۵۹}

شهید اول در جای دیگر می‌گوید:

اگر اهانت‌ها در شهرها (و امکانه مختلف) اختلاف پیدا کند در هر شهر عادت (و عرف) همان شهر در نظر گرفته می‌شود و اگر در آن شهر عملی اهانت تلقی گردد، اهانت کننده تعزیر می‌شود و اگر اهانت نباشد تعزیر نمی‌شود.^{۶۰}

این سخن نیز می‌تواند درباره پذیرش قاعده مجرمیت متقابل در جرایم تعزیری، قابل استناد باشد.

از این گذشته، برخی در مورد تعزیرات معتقدند: «عبارت «التعزیر الی الحاکم» که مورد استناد برخی از صاحب نظران است، در هیچ یک از متون معتبره وارد نشده، بلکه... متون مذکور صرفاً دارای تعبیر «الی الامام» یا «الی الوالی» می‌باشند.»^{۶۱} بر همین اساس «تعیین نوع و مقدار هر تعزیر در هر دوره زمانی به نظر ولی امر (امام) بستگی دارد و از

۵۸. شهید اول، قواعد فقه، ترجمه سید مهدی صائمی، ص ۶۸۵.

۵۹. محمدحسن نجفی، جواهر الکلام، ص ۲۲۸-۲۴۹. عبارت صاحب جواهر در این خصوص چنین است: «خلاف و اشکالی از لحاظ نص و فتوا در این امر نیست که هر کس مرتکب فعل حرامی شود یا فعل واجبی را ترک کند در صورتی که این فعل حرام و ترک واجب، از گناهان کبیره باشد، امام حق تعزیر او را به مقداری که خود صلاح بداند دارد.»

۶۰. شهید اول، همان، ص ۶۸۶ در همین مورد گفته شده است: «از تأثیری که محیط اجتماعی و سیاسی و اقتصادی بر روی جرم می‌گذارد و جرم را سبک‌تر و گاه سنگین‌تر می‌کند، غفلت روان نیست.» (ر.ک: علی‌رضا فیض، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، ص ۱۶۱).

۶۱. محمدهادی معرفت، «بحثی در تعزیرات»، ص ۵۷-۵۶ و سید مصطفی محقق داماد، همان، ص ۲۳۴-۲۳۸.

مسئولیت‌های آن مقام به شمار می‌آید»^{۶۲} و «در شرایطی که جامعه اسلامی از تشکیلات برخوردار است، تعیین تعزیرات به منظور برقراری نظم قضایی باید از جانب ولی امر (رهبر شرعی امت) انجام گیرد. این وظیفه ولی امر است که گروهی از فقهای صاحب نظر و آگاهان به اوضاع و احوال جامعه را بر این کار بگمارد تا جرم‌ها و جنایت‌های محتمله را با در نظر گرفتن علل وقوع آن‌ها ارزیابی نمایند و عقوبت‌های متناسب را که بازدارنده و موثر باشد با حدود تقریبی آن... وضع کنند».^{۶۳}

اگر این مبنا را در مورد جرایم و مجازات‌های تعزیری بپذیریم (چنان‌که تصویب بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۷۵) نیز نشان‌گر پذیرش این مبناست)، در مورد بحث نیز می‌توان قائل به این شد که چون امام علی^{علیه السلام} یا مقام رهبری خود واضع مجازات است، می‌تواند در مواردی از جمله هنگام وقوع جرایم کم اهمیت توسط اتباع در خارج از کشور، از اجرای آن صرف نظر کند و یا اجرای آن را منوط به عدم محاکمه قبلی و... نماید.^{۶۴} بر همین اساس در هنگام وضع قانون، قوه مقننه به عنوان بازوی تقنینی ولی امر می‌تواند قوانین را با رعایت اصول حاکم بر حقوق جزای بین‌الملل تنظیم نماید. این نظریه در شرایط فعلی جامعه، صائب‌تر به نظر می‌رسد و علاوه بر این‌که از ابراز سلیقه‌های مختلف در دستگاه قضایی جلوگیری می‌کند، در جهت هماهنگی با عهدنامه‌های بین‌المللی هم به شمار می‌آید.

صرف نظر از موارد فوق، دست‌کم این امر مسلم به نظر می‌رسد که حاکم می‌تواند در مواردی که اتباع ایران در خارج از کشور مرتکب جرایم تعزیری شده و به خاطر آن محاکمه و مجازات شده‌اند، هنگام محاکمه آن‌ها در کشور، مجازات تعزیری سبک و اندکی را در نظر بگیرد تا مجازات‌هایی که در کشور دیگر متحمل شده‌اند به نحوی جبران گردد.^{۶۵}

۶۲. محمد هادی معرفت، همان، ص ۶۰.

۶۳. همان، ص ۵۶.

۶۴. در مورد این‌که آیا اساساً اجرای تعزیرات واجب است یا به اختیار امام بستگی دارد یا آن‌که شق سوم وجود دارد، دیدگاه‌های مختلفی مطرح است. (ر.ک: حسینعلی منتظری، همان، ص ۴۷۹-۴۸۹).

۶۵. پاسخ آیه‌الله ناصر مکارم شیرازی به استفتای این‌جانب به شماره ۱۹۹۹۱، مورخ ۷/۵/۷۷ به این شرح است: «حاکم اسلامی در مورد تعزیرات می‌تواند تعزیر کمی را در نظر بگیرد تا مجازات‌هایی را که در کشور دیگر

مضافاً این که در مورد تعزیر حتی در مورد شخصی که در داخل قلمرو حاکمیت اسلام هم مرتکب جرم شده، گفته شده است:

به خاطر احتیاطی که نسبت به کیفر دادن مجرمان باید به عمل آید اگر کیفر تعزیر مشمول تخفیف قرار گیرد و از سخت گیری در آن احتراز شود، بهتر و پسندیده تر است، تا مبادا به مجرمی ستمی رود و به بیش از کیفری که شوعاً برای اوست، مجازات شود.^{۶۶}

چرا که تعزیر برای تنبه و آگاهی دادن به مجرم انجام می شود و سخت گیری در مجازات در خصوص آن مدّ نظر نیست. به همین دلیل، مجازات جرایم تعزیری از اقدامات خیلی سبک مثل تذکر، وعظ، توبیخ، تهدید شروع می شود و در صورت اثربخش نبودن نوبت به مجازات می رسد.^{۶۷}

ب) جرایم مستوجب مجازات بازدارنده

جرایم مستوجب مجازات بازدارنده هم در دایره جرایم تعزیری قرار می گیرند، منتها حرمت جرایم تعزیری مستند به نظر شارع است ولی جرایم مستوجب مجازات بازدارنده، افعال یا ترک افعالی می باشند که حکومت اسلامی برای حفظ نظم و جلوگیری از هرج و مرج آنها را مجرمانه اعلام کرده و برای آنها مجازات هایی تعیین می کند؛ مانند تخلف از مقررات رانندگی و بسیاری از جرایم مشمول تعزیرات حکومتی.^{۶۸} در این قبیل جرایم چون در حقیقت خود حاکم (ولّی امر) واضع جرم و مجازات است، اختیار نحوه «شرایط اجرای آن هم در اختیار خود اوست. بنابراین پذیرفتن قواعد حقوق جزای بین الملل در مورد این دسته از جرایم، مغایرتی با موازین شرعی ندارد.

در پایان نقل مطالبی از عبدالقادر عوده که جامع مباحث فوق است خالی از فایده نیست. ایشان در این خصوص می گوید: «اعمال مجازات جرایم مستوجب حدود و قصاص که در سرزمین کفر ارتکاب می یابد، واجب است و ولّی امر حق عفو ندارد.

برای او قرار داده اند جبران شود».

۶۶. علبرضا فیض، همان، ص ۱۵۷-۱۵۸.

۶۷. ر.ک: حسینی منتظری، همان، ص ۵۰۳ و حمید دهقان، همان، ص ۱۳۷.

۶۸. ر.ک: سیدمحمد موسوی بجنوردی، قواعد فقهیه، ص ۱۶۲.

هم چنین اعمال مجازات در جرایم تعزیری منصوص در شریعت نیز واجب است، لیکن ولی امر در این موارد می تواند، پس از صدور حکم، همه یا قسمتی از مجازات را مورد عفو قرار دهد. اما در جرایم تعزیری مقرر از جانب ولی امر (جرایم مستوجب مجازات بازدارنده) چنانچه وی مصلحت بداند، می تواند مرتکب را مجازات یا عفو کند، زیرا ولی امر خود افعال ایجاد کننده این جرایم را تحریم کرده در نتیجه می تواند آن را مباح سازد و در صورتی که در سرزمین کفر واقع شود، مورد مجازات قرار ندهد. معنای این سخن این است که اعمال مجازات در مورد همه جرایمی که در سرزمین غیر اسلامی ارتکاب می یابد، واجب نیست».^{۶۹}

نتیجه این که: مقنن در گستره جرایم تعزیری و مستوجب مجازات بازدارنده، می تواند به نوعی اصول حاکم بر حقوق جزای بین الملل را بپذیرد، لیکن در مورد حدود و قصاص که عدول از آنها برای هیچ کس جایز نیست، چنین اقدامی مقدور نیست.

(۵) انعکاس اصل در حقوق سایر کشورها

در این قسمت از مقاله به بررسی انعکاس اصل صلاحیت شخصی در حقوق کیفری سه کشور فرانسه، امریکا و سوریه می پردازیم. مطالعه حقوق کشور فرانسه از دو جنبه دارای اهمیت است: اول از این لحاظ که منبعی برای حقوق سایر کشورها به شمار می رود و دوم این که سیستم حقوقی این کشور سیستم حقوقی مدون و شبیه سیستم حقوقی کشور ماست. مطالعه حقوق امریکا از این لحاظ که دارای حقوق عرفی (کامن لاو) است، می تواند واجد اهمیت باشد و در عین حال تنوعی هم به مطالعه حاضر می بخشد. کشور سوریه هم از این جهت انتخاب شده است که اولاً، مبحث قلمرو قوانین

۶۹. عبدالقادر عوده، همان، ص ۲۸۹. وی در ادامه می نویسد: «این نظر منتضای نظریه ائمه سه گانه (مالک، شافعی و احمد) است. اما از نظر ابوحنیفه و ابویوسف (که او نیز از فقهای مذهب حنفی است) برمی آید که هر جرمی که در سرزمین غیراسلامی ارتکاب یابد، از هر نوعی که باشد مجازات ندارد، زیرا اساس و پایه مجازات، وجود سلطه بر محل وقوع جرم در هنگام ارتکاب آن است و حال آن که در هیچ حالت، سلطه ای بر محل وقوع جرم وجود ندارد.» برای اطلاع بیشتر ر.ک: محمد حمیدالله، حقوق روابط بین الملل در اسلام (آئین جهاننداری اسلامی)، ص ۲۱۹-۲۲۲.

کیفری در مکان که در قانون مجازات سوریه آمده است، شبیه سایر کشورهای عربی و به خصوص لبنان است و ثانیاً، می تواند بیانگر انعکاس این اصل در حقوق کشورهای عربی - اسلامی باشد.

۵-۱) حقوق کیفری فرانسه

در ماده ۶-۱۱۳ قانون مجازات فرانسه (مصوب ۱۹۹۲) اصل صلاحیت شخصی و شرایط اختصاصی آن و در مواد ۸-۱۱۳ و ۹-۱۱۳ شرایط مشترک اصل صلاحیت شخصی و اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجنی علیه، مطرح شده است.

ماده ۶-۱۱۳ مقرر می دارد:

قانون مجازات فرانسه در مورد هر جنایتی که به وسیله یک فرانسوی در خارج از سرزمین جمهوری ارتکاب یابد، قابل اعمال است. هم چنین قانون مجازات فرانسه در مورد جنحه های ارتكابی اتباع فرانسه در خارج از سرزمین جمهوری هم قابل اجراست؛ مشروط بر آن که جنحه های ارتكابی در قانون کشور محل وقوع جرم هم مجرمانه و قابل مجازات باشد. در صورتی هم که متهم پس از ارتكاب جرم، تابعیت فرانسه را کسب کرده باشد، مفاد این ماده قابل اجراست.

بنابراین همان طور که ملاحظه می شود مطابق این ماده دو شرط برای اعمال اصل صلاحیت شخصی لازم است: اول، طبیعت جرم ارتكابی که باید جنایت یا جنحه باشد، لذا جرایم خلافی را در بر نمی گیرد. دوم، تقابل مجرمیت، به این معنا که وقتی جرم ارتكابی از درجه جنحه است، قانون فرانسه در صورتی اجرا می شود که عمل ارتكابی بر اساس قانون کشوری هم که جرم در آن واقع شده است قابل مجازات باشد. اما این تقابل مجرمیت به این معنا نیست که عمل ارتكابی کاملاً یکسان بوده یا حتی مجازات آن هم در هر دو کشور یکسان باشد، بلکه کافی است که عمل ارتكابی در کشور محل وقوع، قابل مجازات باشد. بنابراین اگر در کشور محل وقوع، عمل ارتكابی از مصادیق علل موجهه بوده یا مشمول عفو باشد، هیچ گونه تعقیبی در فرانسه به عمل نخواهد آمد.^{۷۰}

بدین ترتیب شرط تقابل مجرمیت در حقوق فرانسه نسبت به جنایات وجود ندارد و صرفاً در مورد جنحه‌ها این شرط پذیرفته شده است و به طوری که از «سیاق ماده برمی آید، عمل ارتكابی در فرانسه باید از درجه جنحه باشد ولی لزومی ندارد که در قانون خارجی نیز از درجه جنحه باشد بلکه تنها شرط لازم و کافی آن است که در خارج، جرم شناخته شده و برایش مجازات تعیین شده باشد.»^{۷۱}

علاوه بر این شرایط، شرایطی نیز در مواد ۸-۱۱۳ و ۹-۱۱۳ برای اعمال اصل صلاحیت شخصی بیان شده است. مطابق ماده ۸-۱۱۳، در موارد پیش بینی شده در مواد ۶-۱۱۳ و ۷-۱۱۳، جنحه تنها در صورتی قابل تعقیب است که دادسرا درخواست نماید. درخواست دادسرا باید متعاقب شکایت بزه‌دیده یا یکی از کسانی که ذیحق هستند یا اعلام رسمی مقامات کشوری که جرم در آن واقع شده است، صورت گیرد.

هم‌چنین مطابق ماده ۹-۱۱۳ در موارد پیش بینی شده در مواد ۶-۱۱۳ و ۷-۱۱۳، نسبت به کسی که ثابت کند در خارج از کشور برای همان جرایم، مورد محاکمه قطعی قرار گرفته و در صورت محکومیت، مجازات را تحمل کرده یا مجازات او مشمول مرور زمان شده است، تعقیبی به عمل نخواهد آمد.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود این ماده قاعده منع محاکمه مجدد را که یکی از مهم‌ترین قواعد حقوق جزای بین‌الملل است، پذیرفته است.

۵-۲) ایالات متحده امریکا

ایالات متحده امریکا به‌رغم این‌که تمایل زیادی به تعقیب‌های فرامرزی دارد، در خصوص اصل صلاحیت شخصی موضع دیگری اتخاذ کرده و آن را نپذیرفته است. بنابراین اگر یک امریکایی مرتکب جرایم با اهمیتی در کشور دیگر شود و آن کشور نتواند به جرم او رسیدگی نماید، به دلیل آن‌که ایالات متحده در این مورد فاقد صلاحیت است متهم امریکایی به کلی مورد تعقیب قرار نخواهد گرفت. این شکاف صلاحیتی

۷۱. علی‌اوسط جاوید زاده، صلاحیت دادگاه کبفری در حقوق جزای بین‌الملل (بررسی تطبیقی در حقوق جزای فرانسه و ایران)، ص ۱۱۲.

صرفاً خیالی نیست، بلکه هر ساله مانع تعقیب تعداد زیادی از مجرمین می‌شود.^{۷۲} ایالات متحده امریکا در واقع به جای پذیرش اصل صلاحیت شخصی و به دلیل تکیه‌ای که بر اصل صلاحیت سرزمینی دارد، به تعقیب توسط دولتی که جرم در سرزمین وی واقع شده، چشم دوخته و به آن احترام می‌گذارد. ایالات متحده امریکا برای پرکردن شکاف صلاحیتی ناشی از عدم پذیرش اصل صلاحیت شخصی، به سیستم احترام به تعقیب خارجی اعتماد کرده است. این سیستم هنگامی کاربرد مناسب دارد که تعقیب توسط دولت محل وقوع جرم انجام شود ولی در بسیاری از موارد دولت محل وقوع جرم، عملاً نمی‌تواند به تعقیب مجرم بپردازد و باید در آن صرف نظر کند؛ یکی از موارد آن جایی است که یکی از اتباع ایالات متحده پس از ارتکاب جرم به کشور خود برگردد که در این صورت، قوانین ایالات متحده در صورت فقدان پیمان استرداد، استرداد اتباع را منع می‌کند. مورد دیگر وقتی است که مرتکب جرم، از مصونیت کیفری برخوردار باشد؛ مثل نمایندگان سیاسی و وابستگان افراد نظامی و...^{۷۳}

همین امر سبب شده است برخی از حقوق‌دانان امریکایی در نوشته‌های خود پذیرش اصل صلاحیت شخصی را توسط دولت این کشور، پیشنهاد کنند، زیرا پذیرش این اصل نه مخالفتی با قانون اساسی امریکا دارد و نه مخالف موازین حقوق بین‌الملل است.^{۷۴}

۵-۳) سوریه

قانون مجازات سوریه در مواد ۲۰ و ۲۱ خود اصل صلاحیت شخصی را پذیرفته است. ماده ۲۰ قانون سوریه مقرر می‌دارد:

هر شخص سوری اعم از فاعل اصلی یا محرک یا مداخله‌کننده در جرم که در خارج از این کشور مرتکب جنایت یا جنحه‌ای شود که طبق قانون سوریه قابل مجازات است، قانون سوریه اعمال می‌شود. هم‌چنین هرگاه مدعی علیه تابعیت سوریه را بعد از

72. Geoffrey, R. Watson, op.cit, p. 41-42.

73. Ibid, p. 54-60.

74. Ibid, p. 63-70.

ارتکاب جنایت یا جنحه از دست بدهد یا آن را به دست آورد، همین حکم جاری است. این ماده به اعمال اصل صلاحیت شخصی در مورد افراد عادی پرداخته است و ماده ۲۱ راجع به اعمال این اصل در مورد کارمندان دولت و نمایندگان سیاسی و کنسولی مقرر می‌دارد:

قانون سوریه در موارد ذیل در خارج از سرزمین سوریه اجرا می‌شود: ۱. در جرایم ارتكابی توسط مستخدمان سوری در اثنای انجام وظایف یا به مناسبت انجام وظایف. ۲. در جرایم ارتكابی توسط نمایندگان سیاسی و کنسول‌های سوری که از مصونیت سیاسی که حقوق بین‌الملل عمومی آن‌ها را به رسمیت شناخته است، استفاده می‌کنند. سوریه هم از جمله کشورهایی است که اصل صلاحیت شخصی را به صورت مشروط پذیرفته است. ماده ۲۴ قانون مجازات سوریه در مورد شرایط اعمال اصل صلاحیت شخصی مقرر می‌دارد:

در جنحه‌های مورد اشاره ماده ۲۰ که مجازات آن‌ها کم‌تر از سه سال حبس است، قانون سوریه اجرا نمی‌شود... مشروط به این که قانون دولتی که عمل در قلمرو حاکمیت وی اتفاق افتاده آن را قابل مجازات نداند.

بنابراین اگر مجازات عمل ارتكابی کم‌تر از سه سال حبس اما مطابق قانون کشور محل وقوع جرم، عمل مجرمانه باشد، باز هم قانون سوریه قابل اجراست. یکی از حقوق‌دانان سوری در انتقاد از این ماده می‌گوید: «مقدار مجازات مقرر طبق قانون محل وقوع و هم‌چنین وصف قانونی آن (جنایت، جنحه یا خلاف) تعیین نشده است، بلکه کافی است که مطابق قانون دولت محل وقوع، عمل انجام شده، جرم باشد. بنابراین شرط مجرمیت متقابل، مطابق ماده ۲۴ قانون مجازات سوریه، صرفاً در مورد جنحه‌هاست نه جنایات و این امری عجیب است، چرا که علت وجود این شرط، این است که تبعه کشور به قانون کشوری که مقیم در نتیجه است احترام بگذارد. در نتیجه اقدام به هر چیزی که قانون کشور مقیم را به خطر نمی‌اندازد، حق اوست، خواه این اقدام در کشور متبوع او جرم به حساب آید خواه خیر. علاوه بر این که هدف از وضع این استثناء^{۷۵} (اصل

۷۵. این حقوق‌دان سوری اعمال اصل صلاحیت سرزمینی را اصل می‌داند و همه اشکال صلاحیت قوانین کیفری در خارج از قلمرو حاکمیت را استثنایی بر این اصل محسوب می‌کند (ر.ک: محمد الفاضل، همان، ص

صلاحیت شخصی) زمانی که فعل در محل وقوع آن قابل مجازات نباشد، تحقق نمی‌یابد و آن هدف، جلوگیری از فرار تبعه به کشور متبوع خود و در نتیجه فرار از مجازاتی است که اگر به اقامتش در کشور محل وقوع ادامه می‌داد بر او بار می‌شد. پس هرگاه فعل ارتكابی در کشور محل وقوع مباح باشد، اعمال اصل صلاحیت شخصی بیهوده است و قانون جزای سوریه هم نباید اجرا شود، هرچند فعل ارتكابی مطابق قانون سوریه از درجه جنایت باشد. با این اوصاف، اولی این است که مقنن وجود شرط مجرمیت متقابل را در همه حالات لازم بداند، فعل ارتكابی از درجه جنایت باشد یا جنحه و هم‌چنین مجازات آن بیش از سه سال حبس باشد یا کم‌تر از آن»^{۷۶}

ماده ۲۷ قانون مجازات سوریه هم که اصل منع محاکمه مجدد را پذیرفته است مقرر می‌دارد:

به استثنای جنایات منصوص در ماده ۱۹^{۷۷} و جرایم ارتكابی در سرزمین سوریه، هرگاه سوری یا بیگانه‌ای قبلاً در خارج محاکمه نهایی شده باشد در سوریه تحت تعقیب قرار نمی‌گیرد و در حکم محاکمه است هرگاه حکم در مورد او اجرا شده یا به واسطه مرور زمان یا عفو، مجازات او ساقط شده باشد.

نتیجه‌گیری

حقوق کیفری ایران اصل صلاحیت شخصی را در مواد ۶ و ۷ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۷۰)، پذیرفته است، لذا هرگاه اتباع ایران در خارج از قلمرو حاکمیت مرتکب جرایمی شوند، رسیدگی به جرایم آن‌ها در صلاحیت دادگاه‌های ایران خواهد بود.

کشورهای مختلف بنا به دلایل متعددی از جمله فرعی بودن اصل صلاحیت شخصی

۱۳۳-۱۴۹).

۷۶. همان، ص ۱۳۸.

۷۷. ماده ۱۹ قانون مجازات سوریه مربوط به اصل صلاحیت واقعی است و جنایات مندرج در آن عبارت‌اند از: جنایت یا جنحه بر ضد امنیت دولت، جعل مهر دولت، جعل یا تزویر در اوراق اسکناس یا اسناد اعتباری سوری یا بیگانه که قانوناً و عرفاً در سوریه متداول‌اند.

نسبت به اصل صلاحیت سرزمینی و رعایت عدالت و انصاف نسبت به متهم، اصل صلاحیت شخصی را به نحو مطلق اعمال نمی‌کنند، بلکه اعمال آن را منوط به وجود شرایطی از قبیل مهم بودن جرم ارتكابی، عدم رسیدگی قبلی و مجرمیت متقابل می‌دانند. در حقوق ایران در قانون مجازات عمومی (مصوب ۱۳۵۲)، مقنن همانند سایر کشورها شرایطی را برای اعمال اصل صلاحیت شخصی در نظر گرفته بود، اما پس از انقلاب، یکباره همه این شرایط حذف شد. از این رو در حال حاضر حتی کم‌اهمیت‌ترین جرایم هم، مانند تخلفات رانندگی اتباع ایران در خارج از کشور، در دادگاه‌های ایران قابل رسیدگی است؛ اعم از این‌که این عمل در کشور محل وقوع، جرم باشد یا نباشد و اعم از این‌که تبعه ایران در خارج از کشور به خاطر ارتكاب آن، محاکمه شده باشد یا خیر.

حذف شرایط اعمال اصل صلاحیت شخصی در قانون مجازات اسلامی، شاید به تصور خلاف شرع بودن آن‌ها انجام گرفته باشد؛ با این استدلال که وجود این شرایط به معنی ایجاد محدودیت برای صلاحیت دادگاه‌های جمهوری اسلامی ایران است، در صورتی که ایجاد محدودیت برای صلاحیت دادگاه‌ها، صرفاً در جرایم مستوجب حد و قصاص، که تعداد بسیار کمی از جرایم را در سیستم حقوقی اسلام به خود اختصاص می‌دهند، خلاف موازین شرعی است،^{۷۸} اما در جرایم تعزیری، به خصوص جرایم مستوجب مجازات‌های بازدارنده، این اقدام، مغایرتی با موازین شرعی ندارد، چرا که در این قبیل جرایم، تعیین نوع و مقدار مجازات به نظر امام علی^{علیه السلام} و در زمان غیبت به نظر ولی امر بستگی دارد و او می‌تواند در مواردی از جمله هنگام وقوع جرایم کم‌اهمیت توسط اتباع در خارج از کشور، از اجرای آن صرف‌نظر کرده یا اجرای آن را منوط به عدم محاکمه قبلی و ... نماید. بنابراین در این قبیل جرایم قوه مقننه به عنوان بازوی تقنینی ولی امر می‌تواند قوانین تعزیری را با عنایت به اصول حاکم بر حقوق جزای بین‌الملل، تدوین نماید.

۷۸. برخی از فقها قائل به عدم اجرای حد در زمان غیبت می‌باشند، ولی از آن‌جا که لازمه این نظر نسخ عملی بخشی از احکام اسلام در زمان غیبت است، در نظام حقوقی ایران پذیرفته نشده است.

با این اوصاف، اقدام مقنن در حذف شرایط اعمال اصل صلاحیت شخصی، صرفاً در جرایم مستوجب حد و قصاص قابل دفاع است و در خصوص جرایم تعزیری و جرایم مستوجب مجازات‌های بازدارنده احتیاج به بازنگری کلی دارد.



۱۵. در کلام، ستاره، تعاریف قوانین جزایی در مکان (تحلیل ماده ۳ تاروق (مصوب ۵۸۸ ه. ق. ۱۳۴۷)، ۱۳۴۷، ۲۰۰۷، ۲۰۰۷.
۱۶. سیروس شریعتی، جرایم و تعارضات (۱۳۷۱)، تهران: انتشارات شهناز، ص ۲۰۰.
۱۷. در این مورد نیز، تفاوتی در جبهه مبدأ وجودی ضامن اجتناب از اول و ثانوی بودن وجود ضامن نیز دیده می‌شود.
۱۸. ستاره، گفتار، ص ۵۹۷.
۱۹. عالی، استنباط حقوق جزای اسلامی، ص ۲۷۸-۲۷۹.
۲۰. ستاره، تعاریف و تعارضات (۱۳۷۱)، تهران: انتشارات شهناز، ص ۲۰۰.
۲۱. ستاره، تعاریف و تعارضات (۱۳۷۱)، تهران: انتشارات شهناز، ص ۲۰۰.
۲۲. ستاره، تعاریف و تعارضات (۱۳۷۱)، تهران: انتشارات شهناز، ص ۲۰۰.
۲۳. ستاره، تعاریف و تعارضات (۱۳۷۱)، تهران: انتشارات شهناز، ص ۲۰۰.
۲۴. ستاره، تعاریف و تعارضات (۱۳۷۱)، تهران: انتشارات شهناز، ص ۲۰۰.
۲۵. ستاره، تعاریف و تعارضات (۱۳۷۱)، تهران: انتشارات شهناز، ص ۲۰۰.
۲۶. ستاره، تعاریف و تعارضات (۱۳۷۱)، تهران: انتشارات شهناز، ص ۲۰۰.

۲۲. ستاره، تعاریف و تعارضات (۱۳۷۱)، تهران: انتشارات شهناز، ص ۲۰۰.
 ۲۳. ستاره، تعاریف و تعارضات (۱۳۷۱)، تهران: انتشارات شهناز، ص ۲۰۰.
 ۲۴. ستاره، تعاریف و تعارضات (۱۳۷۱)، تهران: انتشارات شهناز، ص ۲۰۰.
 ۲۵. ستاره، تعاریف و تعارضات (۱۳۷۱)، تهران: انتشارات شهناز، ص ۲۰۰.
 ۲۶. ستاره، تعاریف و تعارضات (۱۳۷۱)، تهران: انتشارات شهناز، ص ۲۰۰.
 ۲۷. ستاره، تعاریف و تعارضات (۱۳۷۱)، تهران: انتشارات شهناز، ص ۲۰۰.
 ۲۸. ستاره، تعاریف و تعارضات (۱۳۷۱)، تهران: انتشارات شهناز، ص ۲۰۰.
 ۲۹. ستاره، تعاریف و تعارضات (۱۳۷۱)، تهران: انتشارات شهناز، ص ۲۰۰.
 ۳۰. ستاره، تعاریف و تعارضات (۱۳۷۱)، تهران: انتشارات شهناز، ص ۲۰۰.
 ۳۱. ستاره، تعاریف و تعارضات (۱۳۷۱)، تهران: انتشارات شهناز، ص ۲۰۰.
 ۳۲. ستاره، تعاریف و تعارضات (۱۳۷۱)، تهران: انتشارات شهناز، ص ۲۰۰.
 ۳۳. ستاره، تعاریف و تعارضات (۱۳۷۱)، تهران: انتشارات شهناز، ص ۲۰۰.
 ۳۴. ستاره، تعاریف و تعارضات (۱۳۷۱)، تهران: انتشارات شهناز، ص ۲۰۰.
 ۳۵. ستاره، تعاریف و تعارضات (۱۳۷۱)، تهران: انتشارات شهناز، ص ۲۰۰.

مآخذ

- ۱- العوجی، مصطفی، القانون الجنائی العام (چاپ دوم: بیروت، مؤسسه نوفل، ۱۹۸۸ م) ج ۱.
- ۲- دووابر، دندیو، رساله حقوق جنائی و قانون‌گذاری جزایی مقایسه، ترجمه علی آزمایش (دانشگاه تهران، دانشکده حقوق، ۱۳۶۸).
- ۳- علی آبادی، عبدالحسین، حقوق جنائی (چاپ دوم: انتشارات فردوسی، ۱۳۷۰) ج ۳.
- ۴- آزمایش، علی، «زمینه‌های حقوق جزایی بین‌المللی در قانون‌گذاری ایران»، نشریه مؤسسه حقوق تطبیقی، شماره ۳، بهار و تابستان ۱۳۶۵.
- ۵- آزمایش، علی، تقریرات درس حقوق جزای بین‌الملل (دوره کارشناسی ارشد، نیمسال اول سال تحصیلی ۷۵-۱۳۷۴، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق).
- ۶- الزغبی، فرید، الموسوعة الجزائية (چاپ سوم: بیروت، دارصادر، ۱۹۹۵ م) ج ۶.
- ۷- الفاضل، محمد، المبادئ العامة فی التشريع الجزایی (دمشق، مطبعة الداودی، ۱۹۷۶ م).
- ۸- امام خمینی، تحریر الوسیله (مکتبه العلمیه الاسلامیه، بی تا) ج ۲.
- ۹- پوربافرانی، حسن، صلاحیت اعمان قوانین کیفری در خارج از قلمرو حاکمیت در حقوق ایران (رساله دکتری حقوق جزا، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۸).
- ۱۰- جاوید زاده، علی اوسط، صلاحیت دادگاه کیفری در حقوق جزای بین‌الملل (بررسی تطبیقی در حقوق جزای فرانسه و ایران) (رساله کارشناسی ارشد پیوسته، دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۷۶).
- ۱۱- حمیدالله، محمد، حقوق روابط بین‌الملل در اسلام (آئین جهان‌داری اسلامی)، ترجمه و تحقیق سید مصطفی محقق داماد (چاپ اول: مرکز نشر اسلامی، آذر ۱۳۷۳) ج ۱.
- ۱۲- خوانساری، سیداحمد، جامع المدارک فی شرح مختصر النافع (چاپ دوم: قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۶۴) ج ۵.

- ۱۳- خوانساری، سیداحمد، ج ۵.
- ۱۴- دهقان، حمید، تاثیر زمان و مکان بر قوانین جزایی اسلام (چاپ اول: قم، انتشارات مدین، پاییز ۱۳۷۶).
- ۱۵- زرکلام، ستار، تعارض قوانین جزائی در مکان (تحلیل ماده ۳ قانون راجع به مجازات اسلامی (رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، ۷۰-۱۳۶۹).
- ۱۶- سپهوند، امیر، جرایم واقعه در خارجه داخل در صلاحیت قوانین و مراجع قضایی ایران (رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، بی تا).
- ۱۷- شهید اول، قواعد فقه، ترجمه سید مهدی صائمی (چاپ اول: مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی، ۱۳۷۲) ج ۲.
- ۱۸- صافی، لطف الله، «ضرورت حکومت یا ولایت فقها در عصر غیبت»، ترجمه سید حسن اسلامی، مجله حکومت اسلامی، سال دوم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۶.
- ۱۹- عالیه، سمیر، قانون العقوبات (القسم العام) (چاپ اول: بیروت، مؤسسه الجامعیه للدراسات والنشر والتوزیع، ۱۹۹۲ م).
- ۲۰- عبید، رثوف، مبادئ القسم العام من التشريع العقابى (چاپ چهارم: دار الفكر العربی، ۱۹۷۹ م).
- ۲۱- عوده، عبدالقادر، التشريع الجنایی الاسلامی مقارناً بالقانون الوضعی (چاپ دهم: مؤسسه الرسال، ۱۴۰۹ق) ج ۱.
- ۲۲- فیض، علیرضا، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام (چاپ اول: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸) ج ۲.
- ۲۳- محسنی، مرتضی، «محدوده حقوق جزا در مکان» مجله حقوقی وزارت دادگستری، سال هفدهم، شماره ۵، مرداد ۱۳۵۲.
- ۲۴- محسنی، مرتضی، دوره حقوق جزای عمومی (چاپ دوم: تهران، گنج دانش، ۱۳۷۵) ج ۱.
- ۲۵- محقق داماد، سیدمصطفی، قواعد فقه ۴ (بخش جزایی) (چاپ اول: تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۷۹).

- ۲۶- معرفت، محمدهادی، «بحثی در تعزیرات»، مجله کانون وکلاء، شماره ۱۴۶ و ۱۴۷، بهار و تابستان ۱۳۶۸.
- ۲۷- منتظری، حسینعلی، مبانی فقهی حکومت اسلامی، ترجمه و تقریر محمود صلواتی (چاپ اول: قم، نشر تفکر، ۱۳۷۰).
- ۲۸- موسوی بجنوردی، سیدمحمد، قواعد فقهیه (نشر میعاد، پاییز ۱۳۷۲).
- ۲۹- مومنی، مهدی، قلمرو مکانی حقوق جزای جمهوری اسلامی ایران (رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۳).
- ۳۰- میرزای قمی، جامع الشتات (چاپ اول: تهران، منشورات شرکت رضوان، ۱۳۹۶ ق) ج ۲.
- ۳۱- نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام (چاپ سوم: تهران، دارالکتب الاسلامیه، تابستان ۱۳۶۸) ج ۴۱.

32- Akehurst, Michael, Jurisdiction in International Law, The British Year Book of International Law (1972-1973).

33- Brownlie, Ian, Principles of Public International Law (4th ed, Oxford, 1990).

34- Cameron, Iain, The Protective Principle of International Criminal Jurisdiction (England, Martmouth Publishing Company, 1994).

35- Desportes, Fredric, Francis le Genahec, Le Nouveau Droit Penal, Tom 1, Economica, 1996.

36- Tigar, Michael. E., the Extradition Requirement of Double Criminality in Complex Cases: Illustrating the Rational of Extradition, International Review of Penal Law, Vol, 62, 1991.

37- Mullan, Grainne, "The concept double criminality in the context of extra territorial crimes", Criminal Law Review January

1997.

38- Watson, Geoffry., R. "Offenders Abroad: the Case for Nationality - Based Criminal 'Jurisdiction", Yale Journal of International Law, Vol. 17, 1992.

39- Shaw, M.N, International law (Third Edition, Grotius Publication, 1994).

40- Stefani, Gaston, et al, Droit Penal General, Dalloz, 1995.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

پخش مدیریت